

Barriers to Empowering Clients in Agricultural Employment Plans of the Imam Khomeini Relief Committee in Golestan Province

Mohammadreza Mahboobi*: Associate professor, department of agricultural extension and education, college of agricultural management, Gorgan university of agricultural sciences and natural resources. Gorgan. Iran. mahboobi47@gmail.com

Parastoo Kianoosh: M.A in agricultural extension, department of agricultural extension and education, college of agricultural management, Gorgan university of agricultural sciences and natural resources. Gorgan. Iran. parastoo.kianoosh@gmail.com

Ahmad Abedisarvestani: Associate professor, department of agricultural extension and education, college of agricultural management, Gorgan university of agricultural sciences and natural resources. Gorgan. Iran. abediac@yahoo.com

Abstract

Introduction: Removing barriers to empowering poor people in employment development plans is the key issue. This research is aimed to investigate barriers to empowering clients in agricultural employment plans of the Imam Khomeini relief committee (IKRC) in Golestan province.

Methods: This was an applied survey method research. The statistical population of the study consisted of all the clients of IKRC in agricultural employment plans in 2016, in Golestan province (N= seven hundred seventy-nine), one hundred sixty of whom were randomly selected as the research sample. The research instrument was a questionnaire. The face validity of the research tool was determined by reviewing the views of the faculty members of the agricultural extension and education department of Gorgan university of agricultural sciences and natural resources and the experts of the relief committee. The content validity of the research tool was determined using content validity ratio and content validity index, which the value of the content validity ratio was 0.89 and the value of the content validity index was 0.83. The reliability of the questionnaire was 0.81 by means of Cronbach's alpha test for capacity barriers. Regarding the fact that the research aimed to reduce the volume of variables and to classify the barriers to empowering clients in employment plans, data were analyzed using exploratory factor analysis using SPSS22 software.

Results: Factor analysis results indicated that the barriers to empowering clients in agricultural employment plans of the IKRC are in nine factors include economic, individual and family, motivational, educational, behavioral, market, credit, occupational and social.

Conclusions: Therefore, it can be concluded that economic barriers, and then personal and family barriers, are the most important barriers to empowering clients in the employment plans of IKRC in Golestan province.

Keywords

Empowerment

Employment Plans

Imam Khomeini Relief Committee

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 05 Dec 2018
Accepted: 14 Sep 2018

Please cite this article as follows:

Mahboobi M, Kianoosh P, Abedisarvestani A. Barriers to Empowering Clients in Agricultural Employment Plans of the Imam Khomeini Relief Committee in Golestan Province. *Quarterly journal of social work*. 2018; 7 (1); 46-55

موانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های اشتغال‌زای کشاورزی

کمیته امداد امام خمینی در استان گلستان

محمدرضا محبوبی*: دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده مدیریت کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، ایران. mahboobi47@gmail.com

پرستو کیانوش: کارشناس ارشد ترویج کشاورزی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده مدیریت کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، ایران. parastoo.kianoosh@gmail.com

احمد عابدی سروستانی: دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده مدیریت کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، ایران. abediad@yahoo.com

واژگان کلیدی

توانمندسازی

طرح‌های اشتغال‌زا

کمیته ی امداد امام خمینی (ره)

چکیده

مقدمه: رفع موانع توانمندسازی اقشار فقیر جامعه در برنامه‌های توسعه اشتغال موضوعی کلیدی به‌شمار می‌رود. این پژوهش با هدف بررسی موانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های اشتغال‌زای کشاورزی کمیته امداد امام خمینی (ره) در استان گلستان انجام شده است.

روش: پژوهش از نوع کاربردی و روش آن پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) در طرح‌های اشتغال‌زای کشاورزی در استان گلستان در سال ۱۳۹۵ به تعداد هفتصد و هفتاد و نه نفر بودند که صد و شصت نفر از آنان به صورت تصادفی به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه بود. روایی صوری ابزار پژوهش با بررسی دیدگاه‌های اعضای هیات علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان و کارشناسان کمیته امداد تعیین شد. همچنین روایی محتوایی ابزار پژوهش با استفاده از نسبت اعتبار محتوا و شاخص اعتبار محتوا تعیین شد که مقدار نسبت اعتبار محتوا هشتاد و نه صدم و مقدار شاخص اعتبار محتوا هشتاد و سه صدم به‌دست آمد. پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ برای موانع توانمندسازی هشتاد و یک صدم بود. با توجه به این‌که پژوهش به دنبال کاهش حجم متغیرها و دسته‌بندی موانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های اشتغال‌زا بود، داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی با رویکرد اکتشافی و به کمک نرم افزار SPSS22 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: نتایج تحلیل عاملی نشان داد موانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های اشتغال‌زای کشاورزی در نه عامل اقتصادی، فردی و خانوادگی، انگیزشی، آموزشی، رفتاری، بازار، اعتبارات، شغلی و اجتماعی قرار می‌گیرند که در مجموع ۶۶/۰۸۳٪ از واریانس کل متغیرها را تبیین کردند و به خود اختصاص دادند.

بحث و نتیجه‌گیری: بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت موانع اقتصادی و سپس موانع فردی و خانوادگی، مهمترین موانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های اشتغال‌زای کشاورزی کمیته امداد امام خمینی (ره) در استان گلستان هستند.

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۳

محمدرضا محبوبی، پرستو کیانوش و احمد عابدی سروستانی. موانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های اشتغال‌زای کشاورزی کمیته امداد امام خمینی (ره) در استان گلستان. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۷؛ ۷(۱): ۵۵-۶۶

نحوه استناد به مقاله:

مقدمه

در سال‌های اخیر موضوع توانمندسازی جوامع فقیر، مورد توجه ویژه صاحب‌نظران و دولت‌ها قرار گرفته است. هدف برنامه‌های توانمندسازی کمک به افراد نیازمند است، تا تلاش نمایند بر کاستی‌هایشان غلبه یابند، جنبه‌های مثبت زندگی‌شان را بهبود بخشند، مهارت‌ها و توانایی‌هایشان را برای کنترل عاقلانه بر زندگی افزایش داده و آن را در عمل پیاده نمایند. (۱) در کشور ما یکی از نهادهای تاثیرگذار در زمینه توانمندسازی اقشار ضعیف، کمیته امداد است. در سال‌های اخیر، گفتمان مسلط در این نهاد، گفتمان توانمندسازی بوده است. از دیدگاه این نهاد، توانمندسازی، فرایند شناسایی استعدادها بالقوه مددجویان، شکوفایی و ارتقا این استعدادها، ظرفیت‌ها و توانایی‌ها با به کارگرفتن سازوکارهای تشویقی، ترغیبی و ترویجی برای انتخاب مسیری جدید در زندگی و قرار گرفتن در چرخه تولید و کسب و کار غایت‌نگر و ثمربخش است که نتیجه نهایی آن، خروج آنان از چرخه فقر و رسیدن به خودکفایی و پیوستن به جریان اصلی زندگی است. (۲)

توانمندسازی در معنای عام به شاخه‌ای خاص از علوم انسانی مربوط نیست. توانمندسازی در ابتدا به عنوان یک فن در حرفه مددکاری و پزشکی بالینی و به منظور کمک کردن به بیماران جسمی و روحی مورد استفاده قرار گرفت که امروزه با عنوان توانبخشی از آن یاد می‌شود. بعدها با تکامل علوم و فنون و رشد جهشی آن‌ها در قرون نوزده و بیست، این اندیشه شکل گرفت که انسان‌های سالم از نظر جسمی و روحی هم الزاما توانمند نیستند و با ایجاد تغییر در نگرش، روابط بین فردی و گروهی و ساختار سازمانی می‌توان توانایی‌های افراد را افزایش داد. لذا توانمندسازی به مفهوم امروزی و پیشرفته آن طرح و تکامل یافت. (۳) توانمندی به شکل علمی گامی است به سوی توسعه پایدار. منظور از این واژه آن است که افراد به وسیله چنین رویکردی به سطحی از توسعه برسند که بتوانند بر اساس خواست و انتخاب خود به ارضا نیازهایشان پردازند. (۴)

توانمندسازی از یک سو مستلزم ارائه آموزش‌ها و مهارت‌های کارآفرینی با رویکرد بازار محور و براساس نیازهای جامعه در همه سطوح آموزشی می‌باشد و از سوی دیگر نیازمند شناخت و رفع موانع آن و ایجاد زمینه‌های مناسب جهت توسعه فعالیت‌های تولیدی می‌باشد. نقش سازمان‌های حمایتی، در برنامه‌هایی که با قصد ارتقای توانمندسازی محورمان اجرا می‌شوند به صورت بالقوه موثر و محوری است. سازمان‌هایی که می‌خواهند فرایند توانمندسازی را در گروه‌های پایین اجتماع تقویت کنند، نمی‌توانند آن را تحمیل کنند، زیرا سبب شکست اهداف خواهد شد. بنابراین نقش سازمان حمایت‌کننده بسیار حساس است. (۵) اما گاهی موانع موجود و یا محرومیت از زمینه‌های ضروری و یا محیط نامساعد مانع از فعالیت یافتن قوای مددجویان می‌شود که لازم است این وضعیت برطرف شود تا فعالیت توان‌ها تحقق یابد. نکته ضروری اینجاست که میان توانمندسازی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی الزاما رابطه هم‌خطی وجود ندارد. فراهم کردن زمینه‌های توانمندسازی در تولید بیشتر، به معنای توانمندسازی برای خوداتکایی، تجهیز منابع و عاملیت نیست. اگرچه افزایش مشارکت بیشتر در حوزه اقتصادی شرط لازم برای توانمندسازی است، اما کافی نیست و توجه به همه ابعاد ضروری است. (۶)

نظریه‌های متعددی در مورد توانمندسازی وجود دارد که محور اصلی این نظریه‌ها تغییر ساختار و شرایطی است که نابرابری‌ها را تحمیل می‌کند. از جمله این نظریه‌ها از سوی لانگه ارائه شده است. وی معتقد است برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل طی شود. در مرحله رفاه، رفاه مادی زنان مانند تغذیه و درآمد بررسی می‌شود و رفع تبعیض بین زنان و مردان مدنظر قرار می‌گیرد. در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید مانند زمین، کار، سرمایه، کارهای مولد درآمدزا، خدمات، آموزش‌های مهارت‌زا و محصول و دسترنج خود دسترسی داشته باشند. در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن‌ها ناشی از کمبودهای شخصیشان نیست بلکه ناشی گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ است و به همین دلیل قابل تغییر است. در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود شرکت می‌کنند و مشارکت آن‌ها باید با شمار آن‌ها در جامعه متناسب باشد. برابری در کنترل به معنی توازن قدرت بین زنان و مردان است. (۷) نظریه دیگر توسط چمبرز ارائه شده است. وی در بحث تله محرومیت، با بررسی خانواده‌های فقیر و محیط اطراف آن‌ها دریافت یک دسته از موانع باعث تشدید فقر در جامعه می‌شوند و

توانمندسازی حاصل می‌شود. دستاوردها می‌تواند از چیزهای ابتدایی از قبیل سیر شدن، سالم بودن، اجتناب از بیماری‌های قابل پیشگیری و مرگ و میر زودرس شروع شوند و تا دستاوردهای پیچیده‌تری از قبیل خشنود بودن، عزت نفس داشتن، مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی و غیره ادامه یابند. (۹)

بابایی و صفا (۲۰۱۳) در مطالعه خود موانع توانمندسازی را ناشی از عدم توانمندی روانی، عوامل فرهنگی و جنسیتی ذکر کرده‌اند. (۱۰) شکوری و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی دریافتند موانع توانمندسازی، نابرابری در دسترسی به منابع، بی‌سوادی و کم‌سوادی و پایین بودن سطح آگاهی است. (۱۱) مطالعه شکوری (۲۰۰۸) نشان داد خدمات ارائه شده توسط کمیته امداد نقش قابل توجهی در توانمندی زنان نداشته و دلیل این امر میزان اندک خدمات و عدم پوشش گسترده آن‌ها، فقدان برنامه مشخص و کارآمد برای توانمندی و رویکرد سنتی حاکم در ارائه خدمات حمایتی بوده است. (۱۲) شهریاری (۲۰۰۸) موانع موجود بر سر راه توانمندسازی زنان روستایی را به سه بخش فرهنگی شامل نگرش جامعه به زنان در نقش جنس دوم و بی‌توجهی به توانمندی‌های آن‌ها، در اختیار نگذاشتن منابع در دسترس زنان و در نتیجه، میزان خودباوری پایین آن‌ها؛ اقتصادی شامل مشارکت اقتصادی پایین زنان و نبود فرصت‌های اشتغال مناسب و هدایت شده در بخش رسمی اقتصاد؛ و اجتماعی شامل کم‌سوادی و بی‌سوادی زنان؛ تقسیم کرده است. (۱۳) در بررسی موانع توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی کلانتری و همکاران (۲۰۱۰) به نقش عوامل فردی-روان‌شناختی، مشارکت اقتصادی، زیرساختاری، اجتماعی-نهادی، (۱۴) اصغری لقمجانی و همکاران (۲۰۱۶) به محدودیت‌های منابع آب، کمی درآمد و اشتغال نامناسب (۱۵) و حیدری سربان و حسن زاده (۲۰۱۴) به مهارت کم، فقدان اعتماد مردان به زنان، جنسیت، کار زیاد در منزل، فقدان فرصت‌های شغلی، عدم حمایت دولت و عدم توانایی صحبت در جمع اشاره کرده‌اند. (۱۶) همچنین اصغری لقمجانی و همکاران (۲۰۱۶) موانع توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی را مشکلات سازمانی و ویژگی‌های شخصی یا فردی سرپرست خانواده ذکر کرده‌اند. (۱۵) چرمچیان لنگرودی و علی بیگی (۲۰۱۳) مهمترین مانع توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی را عدم اعتماد به یکدیگر دانسته‌اند. (۱۷) پیت و همکاران (۲۰۰۳) مهمترین موانع توانمندسازی مردان را فقدان آموزش، درآمدزا نبودن فعالیت‌ها، عدم ایمنی و سلامتی و ساختارهای اجتماعی و مهمترین موانع توانمندسازی زنان را فقدان آموزش، نداشتن ایمنی و ساختارهای مذهبی ذکر کرده است. (۱۸) نتایج تحقیق شتار (۲۰۱۵) نشان داد مهمترین موانع توانمندسازی زنان در هند کم‌سوادی، فقر، فقدان سلامتی و ایمنی مناسب، مهارت

توانمندسازی در جهت نابودی تله محرومیت است. این تله شامل پنج خوشه فقر، ضعف جسمانی، آسیب‌پذیری، انزوا و بی‌قدرتی است. انزوا به معنی فقدان آموزش، دور افتادگی، خارج از دسترس بودن، فقر را تشدید می‌کند، خدمات به افراد دوردست نمی‌رسد، بی‌سوادان نمی‌توانند اطلاعات پیرامون ارزش‌های اقتصادی را داشته باشند و کسب اعتبار و وام برای آن‌ها بسیار دشوار است. همه این‌ها مانع توسعه و مشارکت است. انزوا با بی‌قدرتی ارتباط دارد زیرا فقرای بی‌قدرت نمی‌توانند به منابع دسترسی داشته باشند و نداشتن منابع و امکانات آنان را آسیب‌پذیرتر می‌کند. کسانی آسیب‌پذیر هستند که با یک اتفاق (نظیر مرگ افراد خانواده و یا یک مریضی سخت) در زندگی، فقیر می‌شوند و این فقر خود را به صورت ضعف جسمانی و روحی نشان می‌دهد. (۸) از نظریه پردازان دیگر حوزه توانمندسازی کبیر است. به نظر وی توانمندسازی گسترش توانایی افراد برای اتخاذ تصمیمات کلان و راهبردی در زندگی و زمینه‌هایی است که پیشتر، این توانایی‌ها از آن‌ها دریغ شده است. وی معتقد است توانمندسازی از سه مولفه منابع یا پیش شرط‌ها، عاملیت و نتایج تشکیل شده است. پیش شرط‌ها شامل منابع و زمینه توانمندسازی است. منابع توانمندسازی عبارت‌اند از عوامل یا سرمایه‌هایی که توانایی افراد را در برابر تکانه‌های ناگهانی زندگی حفظ و توانمندی آن‌ها را تسهیل می‌کنند مانند مالکیت بر زمین. عاملیت را به‌عنوان توسعه توانایی فرد برای تدوین انتخاب‌های مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تاثیر مهمی در زندگی او دارند، در نظر می‌گیرند. عاملیت زمانی که منجر به تغییر معناداری در موقعیت فرد و رفاه وی نشود، نمی‌تواند به معنای توانمندسازی باشد. دستاوردها، همان نتایج و پیامدهایی است که در نتیجه

دارای دستاورد نسبی بوده اما در زمینه توانمندسازی مددجویان تحت حمایت با برخی موانع مواجه است که از جمله می‌توان به مواردی چون ضعف در توانمندی‌های مددجویان، کمبود اعتبارات، ضعف نقدینگی و سرمایه در گردش مددجویان، سواد پایین بخش عمده‌ای از افراد تحت حمایت، عدم آشنایی تعداد کثیری از افراد تحت حمایت با حرفه یا مهارت خاص، عدم توجه به نیازسنجی در ارائه طرح‌ها و برنامه‌های اشتغال‌زایی، ضعف پوشش‌های حمایتی موجود و عدم تناسب آن‌ها با هزینه‌های زندگی، ناپایداری اشتغال و عدم برخورداری از امنیت شغلی اشاره کرد. (۲۸)

همچنین با توجه به تعداد زیاد مددجویان تحت پوشش طرح‌های اشتغال و هزینه‌های زیادی که بر کمیته امداد تحمیل می‌شود، لزوم شناخت موانع و محدودیت‌های توانمندسازی مددجویان احساس می‌شود. بر این اساس هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی ساختار عاملی موانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های اشتغال‌زای کشاورزی کمیته امداد امام خمینی (ره) در استان گلستان با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی بود.

اندک، عدم برابری جنسیتی و عدم برابری در تقسیم کار منزل است. (۱۹)

پیتامبر (۲۰۰۳) در تحقیقی در کشورهای اتیوپی و مالاوی نشان داد اندازه کوچک وام و بازده کم استفاده از وام مانع فرایند توانمندسازی است. (۲۰)

یافته‌های بسنت (۲۰۰۸) نشان داد موانع توانمندسازی گروه‌های فقیر در نپال فقر گسترده، شکاف جنسیتی و محیط نامناسب کسب و کارهای کوچک است. (۲۱)

چاکراواری و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند برنامه‌های توانمندسازی زنان در هند به دلیل تمرکز بر جنبه‌های اقتصادی و عدم توجه به موضوعاتی چون بهداشت، آموزش و سواد موفق نبوده‌اند. (۲۲) ایلود و بامیگبولا (۲۰۱۲) موانع توانمندسازی زنان در نیجریه را کمبود اعتبارات و تجهیزات (۲۳) و الویکی و سوجه (۲۰۱۶) فقدان قوانین پشتیبان برای دسترسی به خدمات، اعتبارات ناکافی، فقدان برنامه‌های جامع اثربخش و فقدان تسهیلات، کارکنان و منابع دانسته‌اند. (۲۴)

نتایج تحقیق منهاس و همکاران (۲۰۱۶) نشان داد تسلط مردان، بی‌عدالتی، سواد کم، برداشت غلط از مذهب و چهره به نمایش گذاشته شده از زن در رسانه‌ها، از موانع اصلی توانمندسازی زنان در پاکستان بوده است. (۲۵) اسایاس آمفونه و تولوسا دگاگا (۲۰۱۳) در تحقیقی در اتیوپی، موانع توانمندسازی زنان در طرح‌های اشتغال‌زا را درخواست وثیقه برای اعطای اعتبارات، پیچیدگی نظام اداری، شرایط پس‌انداز و میزان کم وام اعطایی ذکر کرده‌اند. (۲۶) آخون زادا و همکاران (۲۰۱۵) دریافتند مهمترین موانع فرهنگی-اجتماعی توانمندسازی زنان، تبعیض در سهم بردن از دارایی خانواده، فرصت‌های شغلی کمتر، مشارکت کمتر در فرایند تصمیم‌گیری، فرصت‌های کمتر آموزش فنی و حرفه‌ای، وابستگی به مردان، مشکلات جسمانی و فقدان خدمات بهداشتی است. (۲۷)

شواهد موجود نشان می‌دهد اگرچه طرح‌های اشتغال کمیته امداد

روش

پژوهش حاضر از جنبه هدف، کاربردی، از جنبه جمع‌آوری اطلاعات، از نوع پژوهش‌های توصیفی و براساس میزان نظارت و درجه کنترل از نوع پژوهش‌های پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی هفتصد و هفتاد و نه نفر مددجوی کمیته امداد امام خمینی (ره) که در طرح‌های خودکفایی کشاورزی در استان گلستان شرکت داشتند، بود که صد و شصت نفر از آنان طبق فرمول کوکران به صورت تصادفی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. با توجه به اخذ آدرس محل سکونت و اشتغال مددجویان از معاونت اشتغال کمیته امداد استان، مراجعه حضوری به کلیه نمونه‌ها جهت تکمیل پرسشنامه انجام شد. با هدف پیشگیری از بروز خطا و انجام دقیق و صحیح کار در مرحله جمع‌آوری داده‌ها، معیارهای ورود به مطالعه و خروج از مطالعه نیز تعیین شد.

معیارهای ورود و خروج

معیارهای ورود به پژوهش: رضایت آگاهانه و علاقه‌مندی مددجو برای قرار گرفتن در مطالعه، توانایی مددجو برای در اختیار گذاشتن کامل اطلاعات مورد نیاز، قرار داشتن فرد مددجو در سامانه اطلاعات اشتغال کمیته امداد استان در قالب طرح‌های خودکفایی کشاورزی.

معیارهای خروج از پژوهش: عدم رضایت مددجو از همکاری و قرار گرفتن در مطالعه، ارائه پاسخ ناقص به سئوالات پرسشنامه و خارج شدن فرد مددجو از سامانه اطلاعات اشتغال کمیته امداد استان در قالب طرح‌های خودکفایی کشاورزی در زمان مراجعه به وی.

ابزار پژوهش

ابزار این پژوهش پرسشنامه بود که برای طراحی آن علاوه بر اطلاعات حاصل از مشاهدات و بررسی میدانی طرح‌های خودکفایی کشاورزی کمیته امداد و مصاحبه با کارشناسان و مددجویان، از مطالعات شکوری و همکاران (۲۰۰۷)، شهریاری (۲۰۰۸)، اصغری لقمجانی و همکاران (۲۰۱۶)، حیدری سرابان و حسن‌زاده (۲۰۱۴)، پیت و همکاران (۲۰۰۳)، مناس و همکاران (۲۰۱۶)، الویکی و سوجه (۲۰۱۶) و شتار (۲۰۱۵) نیز استفاده شد. در نتیجه پرسشنامه اولیه با سی و پنج سؤال طراحی شد که مشتمل بر شش سؤال مربوط به مشخصات فردی (جنسیت، وضعیت تاهل، سن، سطح تحصیلات، سابقه فعالیت شغلی در زمینه دامداری و کشاورزی و میزان دریافت وام اشتغال) و بیست و نه سؤال مربوط به موانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های خودکفایی کشاورزی کمیته امداد (با مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای شامل خیلی کم، کم، تاحدی، زیاد و خیلی زیاد با امتیازهای یک تا پنج) بود. بررسی روایی صوری ابزار پژوهش در یک پانل تخصصی هشت نفره شامل چهار عضو هیات علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان و چهار نفر از کارشناسان کمیته امداد با هدف تعیین سطح دشواری، میزان عدم تناسب و ابهام عبارات و نارسایی در معانی کلمات انجام شد و نظرات آنان به صورت تغییراتی جزئی در پرسشنامه اعمال شد. برای ارزیابی کمی روایی محتوا و جهت اطمینان از این که مهمترین و صحیح‌ترین محتوا (ضرورت سؤال) انتخاب شده است،

نسبت اعتبار محتوا (Content Validity Ratio) و برای اطمینان از این که سئوالات ابزار به بهترین نحو جهت اندازه‌گیری محتوا طراحی شده از شاخص اعتبار محتوا (Content Validity Index) استفاده شد. برای تعیین نسبت اعتبار محتوا، پرسشنامه در اختیار ده نفر با تخصص‌های کارآفرینی کشاورزی (سه نفر) و مشاوره شغلی (پنج نفر) و مدیریت (دو نفر) قرار گرفت تا نظرات خود را در مورد سئوالات ابزار در زمینه موانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های خودکفایی کشاورزی به صورت «ضروری است»، «ضروری نیست ولی مفید است» و «ضرورتی ندارد» ارائه دهند. پاسخ‌ها بر اساس فرمول CVR محاسبه و با جدول تصمیم‌گیری لائوشی (۱۹۷۵) (۲۹) در مورد حداقل مقادیر CVR برای تعداد متفاوت اعضای پانل انطباق داده شد. با توجه به این که مقدار CVR برای تمام سئوالات بالاتر از شصت و دو صدم و با میانگین هشتاد و نه صدم بود، از این نظر سئوالاتی قابل حذف شناخته نشد. بررسی شاخص اعتبار محتوا بر اساس شاخص روایی والتز و باسل (۱۹۸۱) (۳۰) انجام شد. برای این منظور پرسشنامه مجدداً در اختیار ده نفر متخصص ذکر شده قرار گرفت و از آنان خواسته شد تا نظرات خود را در مورد سئوالات ابزار در زمینه موانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های خودکفایی کشاورزی، در سه معیار مربوط بودن، ساده بودن و واضح بودن بر اساس طیف لیکرت چهار قسمتی (یک = غیر مرتبط، دو = تا حدودی مرتبط، سه = مرتبط و چهار = کاملاً مرتبط)، بیان نمایند. بدین منظور امتیاز CVI به وسیله مجموع امتیازات موافق برای هر مورد که رتبه سه و چهار (بالاترین نمره) را کسب کرده بودند بر تعداد کل رای دهندگان (متخصصین) محاسبه شد که برای تمام سئوالات میانگین مقدار شاخص اعتبار محتوا هشتاد و سه صدم به دست آمد. با توجه به این که طبق نظر والتز و باسل اگر نمره CVI از هفتاد و نه صدم بالاتر باشد روایی محتوای مقیاس مورد تایید می‌باشد، در نتیجه سئوالاتی قابل حذف شناخته نشد و پرسشنامه نهایی با سی و پنج سؤال (شش سؤال مربوط به مشخصات فردی و بیست و نه سؤال مربوط به موانع توانمندسازی مددجویان) مورد استفاده قرار گرفت. سنجش پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ برای موانع توانمندسازی و در یک نمونه سی نفری خارج از نمونه اصلی انجام شد که مقدار آن هشتاد و یک صدم به دست آمد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی با کمک نرم افزار SPSS صورت گرفت. در بخش توصیفی از روش‌های آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و در بخش استنباطی، با توجه به این که پژوهش حاضر به دنبال دست‌بندی موانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های اشتغال‌زا بر مبنای بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها، کاهش حجم آن‌ها در قالب عامل‌های کلی و محدود بود، از تحلیل عاملی اکتشافی (Exploratory Factor Analysis) استفاده شد.

یافته‌ها

توزیع فراوانی ویژگی‌های فردی پاسخگویان نشان داد ۷۵/۶٪ از افراد شرکت‌کننده در طرح مرد و ۲۴/۴٪ زن هستند. ۷۲/۵٪ افراد شرکت‌کننده در طرح متاهل و ۸۸/۸٪ سرپرست خانواده بودند. میانگین سن پاسخگویان حدود چهل و دو سال و ۲۷/۵٪ دارای تحصیلات ابتدایی بودند. چهل و نه نفر از پاسخگویان (سی درصد)، بین شش تا ده سال سابقه فعالیت شغلی در زمینه دامداری و کشاورزی داشتند و ۷۰/۶٪ آنان، بین صد و ده تا صد و پنجاه میلیون ریال وام دریافت کرده بودند.

به منظور تعیین میزان واریانس تبیین شده توسط هر یک از متغیرهای مرتبط با موانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های اشتغال‌زای از تحلیل عاملی استفاده شد. به منظور تعیین مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از ضریب KMO و آزمون بارتلت استفاده شد. معنی‌داری آزمون بارتلت در سطح اطمینان نود و نه درصد و مقدار KMO برابر با ۰/۶۷۷ (جدول شماره یک)، نشان‌دهنده همبستگی و مناسب بودن تعداد نمونه‌ها برای انجام تحلیل عاملی بود.

برای تعیین تعداد عوامل، بر اساس ملاک کیس عمل شد. بر این اساس، عواملی مورد پذیرش قرار می‌گیرند که مقدار ویژه آن‌ها به‌طور قابل ملاحظه‌ای از یک بزرگتر باشد. همان‌گونه که در جدول شماره دو مشاهده می‌شود تعداد نه عامل که مقدار ویژه آن‌ها از یک بزرگتر بود، استخراج گردیدند. لازم به ذکر است مقدار ویژه بیانگر سهم هر عامل از کل واریانس متغیرها می‌باشد و هر چه مقدار آن بزرگتر باشد، نشان‌دهنده این است که اهمیت و تأثیر آن عامل بیشتر است. عامل اول بیشترین سهم (۱۳/۷۴۸٪) و عامل نهم کمترین سهم (۳/۸۱۵٪) را در تبیین واریانس کل متغیرها داشت. تمامی عوامل نامبرده در مجموع ۶۶/۰۸۳٪ از واریانس کل متغیرها را تبیین کردند و به خود اختصاص دادند و ۳۳/۹۱۷٪ از واریانس باقی‌مانده به عواملی مربوط بود که پیش‌بینی آن‌ها میسر نشد.

برای چرخش عاملی از روش واریماکس استفاده شد. بعد از مرحله چرخش، متغیرهایی که به هر عامل مربوط هستند، به صورت ستونی مشخص می‌شوند. پس از پردازش متغیرهای نمایانگر موانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های اشتغال‌زای، نسبت به نامگذاری عوامل به‌دست آمده از تحلیل عاملی اقدام شد. در جدول شماره سه شماره هر یک از عوامل و متغیرهای مربوط به آن عامل همراه با بار

جدول (۱) مقدار KMO و آزمون بارتلت و سطح معنی‌داری

مجموعه مورد تحلیل	مقدار KMO	مقدار بارتلت	P-Value
موانع توانمندسازی مددجویان	۰/۶۷۷	۱۵۸۰	۰/۰۰۰

جدول (۲) تعداد عامل‌های استخراج شده و سهم هر یک از آن‌ها

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد تجمعی واریانس
۱	۳/۹۸۷	۱۳/۷۴۸	۱۳/۷۴۸
۲	۳/۸۹۰	۱۳/۴۱۳	۲۷/۱۶۱
۳	۲/۴۸۳	۸/۵۶۲	۳۵/۷۲۳
۴	۱/۹۸۹	۶/۸۵۷	۴۲/۵۸۱
۵	۱/۶۱۲	۵/۵۵۸	۴۸/۱۳۸
۶	۱/۴۹۴	۵/۱۵۳	۵۳/۲۹۲
۷	۱/۳۸۸	۴/۷۸۸	۵۸/۰۷۹
۸	۱/۲۱۵	۴/۱۸۹	۶۲/۲۶۸
۹	۱/۱۰۶	۳/۸۱۵	۶۶/۰۸۳

جدول (۳) متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و بار عاملی به‌دست آمده از ماتریس دوران یافته

نام عامل	متغیرها	بار عاملی
اقتصادی	پایین بودن میزان تولید محصول	۰/۶۸۹
	افزایش هزینه‌های تولید	۰/۷۰۲
	عدم رونق کسب و کار فعلی	۰/۸۰۹
	پایین بودن میزان درآمد	۰/۷۵۷
	عدم توان باز پرداخت وام	۰/۶۰۲
	کمبود منابع تولید	۰/۵۹۱
	شرایط نامساعد محیطی مثل وضعیت نامساعد هوا	۰/۵۷۳
فردی و خانوادگی	نیاز متعدد خانواده و استفاده از وام برای رفع نیازهای آنی	۰/۵۷۶
	راضی بودن مددجو به شرایط موجود	۰/۶۰۳
	بیماری و ناتوانی جسمانی	۰/۷۷۱
	مشغله زیاد	۰/۷۹۵
انگیزشی	پایین بودن اعتماد به نفس	۰/۶۲۱
	پایین بودن سواد	۰/۶۶۹
	پایین بودن انگیزه فعالیت شغلی	۰/۶۵۳
آموزشی	تلاش و کوشش کم	۰/۸۴۶
	تجربه کم شغلی	۰/۶۵۵
رفتاری	آموزش شغلی ضعیف	۰/۸۸۸
	ضعف مشاوره و راهنمایی‌های نامناسب کارشناسان کمیته	۰/۸۹۱
بازار	عدم وجود الگوی موفق در شغل	۰/۷۶۸
	دور بودن محل کسب و کار از شهر و خارج از دسترس بودن	۰/۶۷۴
	دسترسی نداشتن به بازار	۰/۷۹۲
اعتبارات	نداشتن مشتری برای محصولات تولیدی	۰/۷۸۱
	دسترسی نداشتن به اعتبارات	۰/۷۵۳
	پایین بودن میزان وام‌های دریافتی	۰/۵۶۵
شغلی	مخالفت همسر	۰/۵۵۳
	دسترسی نداشتن به تجهیزات مورد نیاز شغل	۰/۶۵۰
اجتماعی	کم بودن مهارت کاربردی	۰/۷۳۰
	آگاهی نداشتن از وضعیت بازار	۰/۷۷۶
	محدود بودن روابط اجتماعی	۰/۵۶۴

عاملی و گویه‌های پوشاننده آن‌ها آورده شده است. به منظور دستیابی به تعریف عامل‌ها، در تعریف عامل‌ها فرض بر این قرار گرفت که ضرایب بالاتر از پنج دهم سهم مهم و معنادار دارند و بنابراین ضرایب کمتر از این مقدار صفر (عامل تصادفی) در نظر گرفته شدند. با توجه به ماهیت متغیرها، موانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های اشتغال‌زای به شرح زیر نامگذاری شد.

متغیرهایی که در عامل نخست قرار گرفتند شامل پایین بودن میزان تولید محصول، افزایش هزینه‌های تولید، عدم

بود که با توجه به طبیعت متغیرهای تشکیل دهنده آن، تحت عنوان "انگیزشی" نامگذاری شد. عامل چهارم با متغیرهای آموزش شغلی ضعیف و ضعف مشاوره و راهنمایی‌های نامناسب کارشناسان کمیته، تحت عنوان "آموزشی" نامگذاری شد. متغیرهایی که در عامل پنجم قرار گرفتند شامل عدم وجود الگوی موفق در شغل و دور بودن محیط کسب و کار از شهر و خارج از دسترس بودن می‌شد که با توجه به طبیعت متغیرهای تشکیل دهنده آن، تحت عنوان "رفتاری" نامگذاری شد. در عامل ششم، متغیرهای دسترسی نداشتن به بازار و نداشتن مشتری برای محصولات تولیدی دارای بار عاملی معنی‌دار و قابل قبول بودند. و تحت عنوان "بازار" نامگذاری شد. در عامل هفتم، متغیرهای دسترسی نداشتن به اعتبارات، پایین بودن میزان وام‌های دریافتی و مخالفت همسر، دارای بار عاملی معنی‌دار و قابل قبول بودند و با توجه به طبیعت آن‌ها، تحت عنوان "اعتبارات" نامگذاری شد. در عامل هشتم متغیرهای دسترسی نداشتن به تجهیزات مورد نیاز شغل و کم بودن مهارت کاربردی، دارای بار عاملی معنی‌دار و قابل قبول بودند و با توجه به طبیعت آن‌ها، تحت عنوان "شغلی" نامگذاری شد. عامل نهم، با متغیرهای آگاهی نداشتن از وضعیت بازار و محدود بودن روابط اجتماعی، تحت عنوان "اجتماعی" نامگذاری شد.

رونق کسب و کار فعلی، پایین بودن میزان درآمد، عدم توان بازپرداخت وام، کمبود منابع تولید و شرایط نامساعد محیطی بود. به طوری که در جدول شماره دو دیده می‌شود این عامل بیشترین سهم را در تبیین متغیرها داشته است. طبیعت متغیرهای مربوط به این عامل به گونه‌ای بود که تحت عنوان "اقتصادی" نامگذاری شد. متغیرهایی که در عامل دوم قرار گرفتند شامل نیاز متعدد خانواده و استفاده از وام برای رفع نیازهای آنی، رضایت از شرایط موجود، بیماری و ناتوانی جسمانی، مشغله زیاد و پایین بودن اعتماد به نفس بودند. این عامل با توجه به متغیرهای آن تحت عنوان "فردی و خانوادگی" نامگذاری شد. متغیرهایی که در عامل سوم قرار گرفتند شامل پایین بودن سواد، پایین بودن انگیزه فعالیت شغلی، تلاش و کوشش کم و تجربه کم شغلی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی موانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های اشتغال‌زای کشاورزی کمیته امداد امام خمینی (ره) بود. نتایج پژوهش نشان داد با توجه به مقادیر درصد واریانس مقدار ویژه، عمده‌ترین موانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های اشتغال‌زای کشاورزی مربوط به عامل اقتصادی و عامل فردی و خانوادگی بود. در عامل اقتصادی، متغیرهای پایین بودن میزان تولید محصول، افزایش هزینه‌های تولید، عدم رونق کسب و کار، پایین بودن میزان درآمد، عدم توان بازپرداخت وام، کمبود منابع تولید و شرایط نامساعد محیطی قرار دارند. شکی نیست در شرایطی که میزان تولید پایین، هزینه‌ها بالا و منابع تولید محدود و محیط کسب و کار نامساعد و از رونق کافی برخوردار نیست، خروج مددجویان از چرخه فقر و رسیدن آنان به خودکفایی از طریق طرح‌های اشتغال‌زای با مشکل مواجه خواهد بود. یافته‌های پژوهش حاضر در این زمینه با یافته‌های اصغری لقمجانی و همکاران، (۱۵) پیت و همکاران (۱۸) و بسنت (۲۱) همسو می‌باشد، که به اهمیت عوامل اقتصادی به عنوان مانع توانمندسازی در مطالعات خود اشاره کرده‌اند. در مورد عامل فردی و خانوادگی، متغیرهای نیاز متعدد خانواده و استفاده از وام برای رفع نیازهای آنی، راضی بودن مددجو به شرایط موجود، بیماری و ناتوانی جسمانی، مشغله زیاد و پایین بودن اعتماد به نفس مطرح بوده است که از یک سو بیانگر سطح بالای فقر و ناتوانی در بین مددجویان و از سوی دیگر عدم شکل‌گیری قابلیت‌های کارآفرینانه در مددجویان است و تداوم اسیری آنان در تله محرومیت است. این یافته با یافته‌های شهریاری (۱۳)، کلاتری و همکاران، (۱۴) اصغری لقمجانی و همکاران، (۱۵) شتار (۱۹) و آخون زادا و همکاران (۲۷) همسو می‌باشد، که در بررسی موانع توانمندسازی به نقش عوامل فردی و خانوادگی اشاره کرده‌اند.

محدودیت‌ها

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود که از جمله می‌توان به مشکل دسترسی به برخی مددجویان به دلیل دوری محل زندگی آنان و سطح پایین سواد اکثر آنان اشاره کرد. مشکل مربوط به دسترسی به مددجویان با مراجعه متعدد محقق به محل زندگی آنان و مشکل سطح پایین سواد با صرف وقت بیشتر از سوی محقق در خواندن سئوالات و

اخذ پاسخ از مددجویان رفع شد.

پیشنهادات

با توجه به نتایج تحقیق، از آنجا که کمبود منابع تولید و عدم رونق کسب و کار مانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های اشتغال‌زا بوده است، پیشنهاد می‌شود، با هدف تقویت بنیه اقتصادی مددجویان از طریق راهکارهایی چون اعطای وام با بهره پایین، امکان تدارک منابع تولید برای آنان فراهم شود.

با توجه به تاثیر عدم توان مددجویان در بازپرداخت وام دریافتی اشتغال به عنوان مانع توانمندسازی آنان پیشنهاد می‌شود کمیته امداد با اتخاذ راهکارهایی چون افزایش دوره بازپرداخت اقساط، افزایش دوره تنفس، تناسب شیوه بازپرداخت وام با ماهیت و نوع کسب و کار و... تاثیر این مانع را کاهش دهد. علاوه بر این بسترسازی ایجاد و توسعه صندوق‌های اعتبارات خرد با سرمایه‌گذاری خود مددجویان شاغل، می‌تواند راهکار مناسبی برای تامین اعتبارات مورد نیاز کسب و کارها باشد.

با توجه به این که پایین بودن میزان تولید محصول، افزایش هزینه‌های تولید و پایین بودن میزان درآمد در کنار برخی ویژگی‌های

فردی و خانوادگی مددجویان چون صرف وام برای نیازهای آنی خانواده، پایین بودن اعتماد به نفس و رضایت به وضع موجود مانع توانمندسازی مددجویان در طرح‌های اشتغال‌زا بوده است، توصیه می‌شود کمیته امداد نسبت به برنامه‌ریزی آموزش‌های قبل از راه اندازی کسب و کار با محتوای مرتبط با مهارت‌های کارآفرینی و کسب و کار چون مهارت‌های شخصی، فنی، مدیریتی، ارتباطی، قابلیت‌های بازاریابی و... برای مددجویان متقاضی توجه جدی نماید. همچنین ضروری است قبل از ترغیب مددجویان به ورود به طرح‌های اشتغال‌زا، شناخت دقیقی از سطح مهارت، تجربه، تخصص و توان کار تولیدی آن‌ها صورت گیرد.

منابع

References:

1. Kimayee A. Empowerment Methods of Female Head of Households. Journal of Social Welfare Research. 2011, 11 (40): 63-92. [Persian].
2. Asgari A. The Effectiveness of Educational and Cultural Services of the Imam Khomeini Relief Committee on the Enhancement of Protected Families (Malayer City), Master's Degree in Public Administration, Transformation Trend, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Shahrood Branch. 2013: 90. [Persian].
3. Kargarkarambasti A. A Study of the Concept, Views and Models of Empowerment. Mesbah, 12 (47): 131-159. [Persian].
4. Shaditalab J, Vahabi M, Varmazyar H. Poverty Income is Just One Aspect of Poverty in Female Heads of Households. Journal of Social Welfare Research. 2005, 4 (17): 1-23. [Persian].
5. Jafarzadehpour F. Empowerment in Speech and Practice of Development. Journal of Women's Message. 2001, 10 (118): 1-38. [Persian].
6. Khalati M. Women Empowerment: Definitions, Fields, Levels and Models. Selected Articles of the Second National Conference on Family Economics in Razavi Culture. 2014: 105-117. [Persian].
7. Ghalipoor A, Rahimian A. The Relationship of Economic, Cultural and Educational Factors with the Empowerment of Female Heads of Households. Journal of Social Welfare. 2011, 11 (30): 29-62. [Persian].
8. Vosoughi M, Habibi, S. Indigenous Knowledge; A Step to Localization of Rural Development and Empowerment of Villagers. Journal of Social-Cultural Development Studies. 2013, 2 (4): 9-26. [Persian].
9. Barghi H, Ghanbari Y. Survey on the Components of Empowerment of Rural Women and Explaining the Factors Affecting Them: a Case Study of Villages in Isfahan. Village and Development. 2013, 17 (1): 37-53. [Persian].
10. Babaei M, Safa Sh. A Survey on the Status of Rural Women's Empowerment, a Case Study of the Villages of Delfan, Lorestan Province. National Women's Congress and Rural Development, October 23, 2013, Mashhad. [Persian].
11. Shakouri A, Rafatjah M, Jafari M. Women's Capacity Components and Explaining Effective Factors on Women. Women's Research. 2007, 4 (20): 1-26. [Persian].
12. Shakouri A. Women's Support and Empowerment Policy. Journal of the Faculty of Literature and Humanities. 2008, 16 (61): 129-159. [Persian].

13. Shahriari, A. The Study of Ways to Empower Rural Women in Sistan and Baluchestan and Its Impact on Entrepreneurship. Master's Dissertation, Faculty of Geography, University of Tehran. 2008. [Persian].
14. Kalantari, Kh, Shabanali Fami H, Soroush Mehr H. Investigating the Facilitating and Preventing Facts of Economic Empowerment in Hamedan Women. Rural Development Magazine. 2010, 1 (2): 107-124. [Persian].
15. Asghari Lafmajani S, Shahraki I, Nadarifar M. Obstacles to the Economic and Social Empowerment of Rural Households Case: Clients Covered by the Relief Committee in Sistan. Journal on Space Economics and Rural Development. 2016, 5 (15): 103-124. [Persian].
16. Heidarisaraban V, Hassanzadeh M. Survey of Barriers to Rural Woman Economic Empowerment in Iran. European Online Journal of Natural and Social Sciences. 2014, 3: 494-500.
17. Charmchian Langroudi M, Alibeygy AH. Investigating Factors Affecting the Psychological Empowerment of Rural Women. Journal of Women and Society. 2013, 4 (1): 165-165. [Persian].
18. Pitt MM, Khandker ShR, Cartwright J. Does Micro-Credit Empower Women? Evidence from Bangladesh. Policy research working, paper 2998, Development Research Group, Rural Development, The World Bank. 2003: 60.
19. Shettar RM. A Study on Issues and Challenges of Women Empowerment in India. IOSR Journal of Business and Management. 2015, 17: 13-19.
20. Pitamber S. Factors Impeding the Poverty Reduction Capacity of Micro-credit: Some Field Observations from Malawi and Ethiopia. Economic research papers. The African Development Bank, Abidjan, Ivory Coast. 2003: 3-4.
21. Basnet X. Microcredit Programs and Their Challenges in Nepal, Salem College, Winston-Salem, NC. 2008: 14-27.
22. Chakravarty S, Kumar A, Nathjha A. Women's Empowerment in India: Issues, Challenges and Future Directions. International Review of Social Sciences and Humanities. 2013, 5: 154-163.
23. Oyelude AA, Bamigbola AA. Women Empowerment through Access to Information (ATI): The Strategic Roles of Non-governmental Organization in Nigeria. 201 inspiring and empowering women through access to information, women information and libraries special interest group, Helsinki, Finland. 2012: 1-18.
24. Eleweke J, Soje G. Challenges of Empowering People with Disabilities in Nigeria for National Development. Journal of Special Education and Rehabilitation. 2016, 17:122-138.
25. Menhas R, Jabeen N, Akhtar S, Yaqoob M. Cultural Barriers of Female Empowerment. Afro Asian Journal of Anthropology and Social Policy. 2013, 4: 1-10.
26. Esayas Amphune B, Tolossa Degaga D. Women's Economic Empowerment: Obstacles for Success, Experiences from Southern Ethiopia. Vulnerability to the Changing Climate and the Quest for Resilience Capacities in Southern Ethiopia. 2015: 108-126.
27. Akhunzada ZU, Mamoon Khan Khattak MK, Ashraf A. Socio- cultural Barriers to Empowerment: A Study of Working Women in Vocational Training Institutes of District Kohat. The Dialogue. 2015, 5:190-198.
28. Asadi Khalili NK. Obstacles to the Advancement of Women's Empowerment in Households. Weekly Newsletter, Analytical Program. 2011, 10 (428): 1-2. [Persian].
29. Lawshe CH. A quantitative approach to content validity. Personnel Psych. 1975, 28: 563-575.
30. Waltz CF, Bausell RB. Nursing research: design, statistics, and computer analysis. Philadelphia: W. B. Saunders Co; 1981: 45.